

وحدت اسلامی گامی فراتر از تقریب از دیدگاه امام خمینی (قدس سره)

□ وحدت اسلامی گامی فراتر از تقریب از دیدگاه امام خمینی (قدس سره)

دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی

بسم الله الرحمن الرحيم

دیدگاه امام خمینی (ره) در مورد وحدت اسلامی:

0([1])مُكَذِّبُواخَنِيْبِيْوَاحْلِلْصَفْوَةَوَخَوْنُنْدِمُؤْمَرَالْاَمَلَانِ

مؤمنان برادر یکدیگرند پس میان برادران صلح برقرار سازید.

امام خمینی(ره) یکی از مهمترین و موفقترین منادیان وحدت و اتحاد بودند که از آغاز دعوت خود در سال 1363 هـ ق تا آخرین روزهای عمر پر برکتشان مسئله وحدت، محور و اساس پیامشان بود، که نه تنها از نظر سیاست الهی که برپایه توحید و همبستگی است بلکه از نظر عرفانی و فلسفی، اعتقادی و اخلاقی، فقهی و عملی، صمیمانه به آن ایمان داشتند.

آنچه اغلب مصلحین جهان اسلام بدانند سید جمال الدین اسد آبادی، و شیخ حسن البناء و رجال تقریب و مجمع جهانی تقریب به آن می اندیشند، تقریب یعنی نزدیک شدن پیروان مذاهب اسلامی پیرامون مشترکات با حفظ مفترقات و کیان طرفین است، اما امام خمینی (ره) در سطح بالاتری می اندیشیدند و همواره مسلمانان جهان را به وحدت و اسلام ناب محمدی فرا می خواندند و هرگز کلمه تقریب را بکار نبردند.

این مقاله بر آنست که بمناسبت کنگره وحدت اسلامی در سال امام خمینی (ره) با کلام امام خمینی (ره) به تفسیر دیدگاه ویژه امام خمینی (ره) پردازد. تا روشن شود که چگونه مسلمانان می توانند فراتر از تقریب به سوی وحدت اسلامی گام بردارند.

1 - توحید کلمه مقصد انبیاء علیهم السلام:

از نظر امام خمینی (ره) یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیاء عظام، سلام الله علیهم، توحید کلمه و توحید عقیده است که وسیله پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل نام در تشکیل مدینه فاضله و جلوگیری از تعدیات ظالمانه و مصلح فردی و اجتماعی است.

و این مقصد بزرگ انجام نگیرد مگر در سایه وحدت نفوس، و اتحاد هم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری در سایه این وحدت افراد جامعه طوریکه شوند که نوع بنی آدم تشکیل یک شخص دهند و جمعیت به منزله یک شخص باشد و افراد به منزله اعضاء و اجزای آن باشد، و تمام کوششها وسیعها حول یک مقصد بزرگ الهی و یک مهم عظیم عقلی، که صلاح جمعیت و فرد است، چرخزند و اگر چنین مودت و اخوتی در بین یک نوع با یک طایفه پیدا شد بر تمام طوایف و مللی که بر این طریقه نباشند، غلبه کند. چنانکه در اوائل طلوع اسلام، چون شمه ای از این اتحاد وحدت در بین مسلمین بوده، در مدت کمی چه فتوحات بزرگی کردند، در اندک زمانی به سلطنتهای بزرگ آن زمان که عمده آن ایران و روم بود، غلبه کردند و یاعده کم بر لشکرهای کران و جمعیتهای بی پایان غالب شدند و پیغمبر اسلام عقد اخوت

بين مسلمين اجرا فرمود و به نص انما المؤمنون اخوه، ([2]) اخوت بين تمام مؤمنين برقرار شد ([3]).

2 – وحدت رمز قدرت

امام (ره) افراد جامعه‌ای که می‌خواهند به مقصدی واحد نائل گردند به قطره‌های باران تشبیه می‌کنند که اگر قطره‌ای از دیگر قطره‌ها جدا باشد، يك برگ را هم تر نمی‌کند و اگر میلیاردها قطره وجود داشته باشند اما پراکنده، باز کاری از آنها بر نمی‌آید، حال اگر با هم اتصال پیدا کردند، نهري تشکیل می‌دهند و می‌توانند زمینی را آبیاری کنند، و اگر این نهر با سایر نهرها متصل شد، رودخانه‌ای تشکیل می‌دهد و قدرت‌ش زیاد می‌شود.

و گاهی آنچنان قدرت پیدا می‌کند که می‌تواند با خروش خود درختان و بناها را خراب کنند، و اگر همه رودخانه‌ها در يك جا جمع شوند، دریاچه‌ای تشکیل می‌دهند و قدرت‌ش آنقدر افزون می‌گردد که يك موجش کشتیها را می‌شکند.

جامعه ما هم همینطور است، اگر صد میلیون یکی یکی باشند، کاری از آنها بر نمی‌آید هر کدام به اندازه خودشانند و قدرتشان مانند قطره‌ها بسیار محدود، اگر جمعی با او هم عقیده شدند و باهم در مقصدی شرکت کردند، قدرتی است که از آن کارهای محدودی می‌آید، اما اگر جمعیت دیگری باشند که در این راه مخالف و مزاحم باشند، بواسطه این مزاحمت کارها خنثی می‌شود نه او به مقصد می‌رسد نه دسته مخالف و مزاحم.

اینکه می‌بینید يك میلیارد مسلمان زیر سلطه ابرقدرتی دویست میلیونی هستند به این علت است که آن دویست میلیون باهم در مقصدی اجتماع دارند اما این يك میلیارد جمعیت مسلمان باهم اجتماع ندارند و مخالف هم هستند ([4]).

3 – وحدت رمز پیروزی انقلاب اسلامی ایران

امام خمینی (ره) پیروزی انقلاب اسلامی را که رمز آن وحدت بود به عنوان نمونه ذکر کرده می‌فرمایند: همه مردم جهان قدرت ملت ایران را در اثر وحدت کلمه دیدند که با ایمان چه کرد و چگونه بادت خالی

جلو افتاد و سلطنت 2500 ساله را از بیخ کند و با اینکه همه قدرتها مثل امریکا پشتیبانش بودند، نتوانستند کاری بکنند، اگر این وحدت کلمه را حفظ نکنیم دوباره ما را به حال اول یا بدتر بر می گردانند([5]).

باید همه دست به هم بدهند هر کسی به هر مقدار که قدرت دارد، خیال نکند يك نفر است وقتی پهلویش نفرها واقع شد همچون فطره های متصل سیل می شود و چون سیلها با هم متحد شدند دریا درست می شود.

جماعت وقتی که باهم شدند پشتیبان نشان خدای تبارک و تعالی است: یدا مع الجماعة([6]).

4 – تاکید قرآن بر وحدت

در قرآن کریم با تعبیرهای مختلف روی قضیه وحدت با تعبیرهای مختلف پافشاری و به مردم گو شزد شده است([7]).

خداوند در قرآن و اعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا([8])، را بر مردم واجب کرده همه باهم باشید و تفرق در کار نباشد. با تفرق همه فسادها هست و با تمسک به خداوند همه صلاح و سعادتها([9]).

5 – تلاش پیامبر اکرم (ص) برای وحدت

در روایت حضرت رسول (ص) آمده است که مؤمنین يك دست هستند (المؤمنون يد واحدة علي من سواهم) ([10]). وحتی تعبیر دو دست نفرمودند، و باید شما اجتماع و وحدتان را به جایی برسانید که بین خودتان جدایی نبینید و این دستور اسلامی است که با یکدیگر برادر باشید که هیچ قدرتی نتواند بر شما چیره شود([11]).

پیغمبر اسلام می خواست در تمام دنیا وحدت کلمه ایجاد کند. می خواست تمام ممالك دنیا تمام ربع مسکون را تحت کلمه توحید قرار بدهد. منتهی اغراض سیاسی آنوقت از يك طرف، اغراض علمای نصاری و یهود و غیره از طرف دیگر مانع شد از اینکه ایشان بتوانند آن کار را انجام بدهند. الان هم مانع هستند.

6 – اتحاد و برادری پیامبر اکرم (ص) و علي (ع):

امام خميني، اتحاد و برادري ميان پيامبر اکرم (ص) و علي (ع) را به عنوان الگو و نمونه معرفي کرده مي‌فرمايند:

همانطور که ايندوبزرگوار (پيامبر اکرم (ص) و حضرت علي(ع) در عالم غيب باهم متحد بودند در اين دنياهم که آمدند اخوت و برادري داشتند و يك بودند و اين بايد براي ما عبرت باشد ما هم برادري خودمان را حفظ کنيم، از آن اخوتي که بين آن دو بزرگوار بود تبعيت کنيم، آنها در تمام ايام عمرشان باهم بودند و پشيمان هم([12]).

7 – تلاش امام علي بعد از پيامبر (ص) براي حفظ وحدت

آنگاه امام خميني به تلاش حضرت امير (ع) براي حفظ وحدت بعد از رحلت پيامبر اکرم (ص) اشاره کرده مي‌فرمايند:

«حضرت امير سلام اﷺ عليه در بسياري از اموري که برايش خيلي سخت بود، دندان روي جگر مي‌گذاشت و مو افقت مي‌کرد، براي مصالح کلي، براي مصالح اسلام، ما اگر از او تبعيت داريم بايد اينطور باشيم»([13]).

8 – عوامل وحدت:

عوامل وحدت از نظر امام خميني (ره) عبارتند از:

1 – اتکال به خدا

ملّات ما به واسطه وحدت کلمه و توجه به اسلام و ديانت اين راه را تا اينجا آمد در صورتيکه قدرت دست آنها بود و ملت ما جز مشت و خون چيزي نداشت لکن اتکال به خدا کرد و وحت کلمه در بين همه اقشار حاصل شد به طوري که ديگر ابرقدرتها هم نتوانستند او (شاه) را نگهدارند([14]).

2 – اسلام

اين اسلام بود که همه را باهم مجتمع کرد و اين اسلام بود که شما را پيروز کرد و اين اسلام است که

سعادت همه انسانها را تامین می‌کند([15]).

3 – ایمان

رمز پیروزی، وحدت کلمه بود و ایمان وحدت کلمه را آورد که سرتاسر این مملکت همه باهم اجتماع کردند، و شهادت را برای خودشان فوز دانستند([16]).

4 – رحمانی بودن

ما باید الهی بشویم، در راه خدا خدمت بکنیم، خودمان را فرمانبر خدا بدانیم، خودمان را از او و به سوی او بدانیم. آنوقت وحدت و انسجام حاصل می‌شود برای اینکه تفرقه از شیطان است و وحدت کلمه و اتحاد از رحمان است وقتی که شما رحمانی شدید دنبال او دیگر تفرقه و اختلاف حاصل نمی‌شود([17]).

5 – توجه به معنویت

توجه به معنویت و تکلیف الهی و یاد خداوند باعث می‌شود که این وحدت محفوظ و این برادری برقرار ماند. خوف آن است که اسلحه در دست شما جوانان عزیز موجب غرور و سرکشی شود و آن تحول روحانی عظیم از دستتان برود و شیطان نفس اما ره شما را به دام کشد و با سوء رفتار با برادران خود صدق و صفا رخت ببرند([18]).

6 – ضیافت ا

اگر در این ضیافت وارد شده باشید، دشمنها دستشان کوتاه خواهد شد و تمام اختلافات در دنیا حل می‌شود([19]).

7 – ارادة الهی

این وحدت کلمه را خدا ایجاد کرد، من نمی‌توانم تصور کنم که بشر بتواند يك ملت سي و چند میلیونی را در مدت کوتاهی این طور، همزیان وهم قلب بکند([20]).

... من این طور فهمیدم که خدای تبارک و تعالی در این مسئله نظر دارد([21]).

8 - لطف و تایید الهی

امروز روز اتحاد و یگانگی است و این هم از الطاف بزرگ و تاییدات الهی است که درست بر خلاف تصور و خواست فتنه انگیزان و جنگ افروزان، همه توطئه‌ها و جنگها به اتحاد و یکپارچگی ملت بیدار و زنده مادر برابر ابرقدرتها می‌انجامد([22]).

9 - نماز جمعه

امام خمینی (ره) یکی از حکمتهای اقامه نماز جمعه را حفظ وحدت و جلوگیری از عوامل تفرقه می‌دانستند و در احکامی که برای نصب ائمه جمعه صادر می‌کردند این امر مهم را خاطر نشان می‌ساختند:

« مردم را در خطبه‌های نماز جمعه به اتحاد و وحدت کلمه دعوت نمائید، امید است اهالی محترم از این فرصت استفاده نموده و به اجتماع بیشتر و هر چه باشکوه‌تر آنرا انجام دهند»([23]).

10 - فريضة حج

لازم است زائرین محترم بیت الله الحرام از هر ملت و مذهبی که هستند به فرامین قرآن کریم گردن نهند و در مقابل سیل شیطانی بنیان کن اسلام زدایی شرق و غرب و وابستگان بی اراده آنان، دست اخوت اسلامی به هم دهند و به آیات شریف الهی که آنان را به اعتصام به حبل الله فراخوانده و از تفرقه و اختلاف تحذیر و نهی فرموده است، توجه کنند([24]).

11 - امامت و تشکیل حکومت

متأسفانه بعضی از دوستان نادان مسئله امامت و ولایت را وسیله‌ای برای اختلاف و تفرقه قرارداده در صورتیکه فلسفه امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمانان به وحدت است.

امام خمینی در این باره می‌فرمایند:

«تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است، چنانکه حضرت زهرا سلام الله علیها در خطبه خود می‌فرماید که: امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است»([25]).

12 - اجتماعات مذهبی عاشورا

مجالسی که به اسم روضه خوانی برپا می‌کنیم، همه اش اخلاق و احکام و عقائد است. آخر منبر هم مطلومت آن شهیدی که در راه دینداری فداکاری کرد.

این شعار مذهبی بهترین شالوده برای حفظ وحدت ملی است که با آن هیچ حکومتی تزلزل پیدا نمی‌کند. یکی از بزرگترین رمز حیات دنیای شیعه قضیه سید الشهداء است.

شما در کجا سراغ دارید که يك ملتی این طور هماهنگ بشود، این دستجات با آن محتوی را در کجاسراغ دارید. بروید هندوستان همین بساط، بروید پاکستان همین بساط، بروید اندونزی همین بساط، بروید عراق همین بساط، بروید افغانستان، هر جا بروید همین بساط. این هماهنگی را از دست ندهید([26]).

9 - عوامل تفرقه:

از نظر امام خمینی (ره) عوامل تفرقه مسلمین از اینقرار است:

1 - سب و لعن و مطاعن

متأسفانه بعضی از افراد متعصب و نادان با سب و لعن و نبش قبور کتب مطاعن، دیگران را علیه شیعه تحریک می‌کنند و در اثر آن جمع متحد مسلمانان را از هم جدا می‌سازند و احزاب و فرقه‌ها پدید می‌آورند و هر حزب و باندي نسبت به آنچه می‌کنند شادمانند و به تعبیر قرآن: کل حزب بما لديهم فرحون.

امام خمینی (ره) این کار را خیانت به اسلام دانسته می‌فرمایند:

«یکی جزوه می‌دهد، و کسی را لعن می‌کند و یکی جزوه می‌دهد و آنرا تعریف می‌کند، هر دو امروز غلط است، دست از نادانی بردارید، خیانت به اسلام نکنید، آنهایی که با اسلام دشمن هستند، شما را تحریک

نکنند. این تفرقه امروز خیانت به اسلام است با هر اسمی که باشد» ([27]).

2 - بر افروختن اختلافات تاریخی

در صدر اسلام که مقام خلافتی بود و خلفا زنده بودند، حضرت امیر سلام ا علیه و یارانشان، اختلافات را در دائره معقولي محدود و به تعبیر امام خمینی (ره) تبدیل به آرامش و همکاری کردند متأسفانه اکنون که نه خلیفه ای است و نه مقام خلافتی دشمنان استعمارگر می کوشند تا بر افروختن اختلافات تاریخی مربوط به هزار و چهار صد سال پیش، مسلمانان را دچار تفرقه کنند.

امام خمینی (ره) درباره این عامل تفرقه صریحاً می فرماید:

«امروز سر ولایت امیر المؤمنین (ع) اختلاف کردن، خیانت به اسلام است امروز این حرفها را طرح نکنید، مبدا با اعمال شما اسلام فراموش شود. مبدا با اعمال شما اسلام دفن شود، اگر دلسوز اسلام و ملت و کشورتان هستید دست از تفرق بردارید و این طرح شیطانی را خنثی کنید. سر يك نفر آدم که آیا کافر است یا مسلم بر سر هم ننزید. به این مسائل توجه کنید، می خواهند شما را به جان هم بریزند و آنها نتیجه بگیرند» ([28]).

3 - تعصبات جاهلانه

یکی از عوامل مهم تفرقه، توصیات جاهلانه است که اسلام با آن به مبارزه برخاسته و پیامبر اکرم (ص) در باره آن فرموده اند: کسی که در دلش خردلی از عصبیت باشد، خداوند او را روز قیامت با عربهای جاهلیّت برانگیزاند ([29]).

امام خمینی (ره) می فرماید: عصبیّت، یکی از اخلاق باطنه نفسانیه است که آثار آن مداخله کردن و حمایت نمودن از خویشاوندان و مطلق متعلقان است، چه تعلق دینی و مذهبی و مسلکی باشد، یا تعلق وطنی و آب و خاکی و غیر آن، که منشا بسیاری از مفاصد اخلاقی است و خود آن فی نفسه مذموم است گرچه برای حق با امر دینی باشد و منظور اظهار حق نباشد، بلکه منظور غلبه خود باهم مسلک خود یا بستگان خود باشد ([30]).

يكي ديگر از عوامل تفرقه، ملي گرايي است، پيغمبر اکرم (ص) مردم عرب، فارس، روم و... را از ملي گرايي به اسلام گرايي، و از اسلام به ايمان و از ايمان به تقوي و مهاجر في سبيل الله ارتقاء دادند و در نتيجه همه مسلمانان ملل مختلف را متحد ساختند. استعمار غرب ميکوشد تا مسلمانان تعرب بعد از هجرت نموده و به حالت ابتدائي ارتجاع کنند. امام خميني (ره) در اين باره چنين ميفرمايند:

«آن چيز مهمي که دول اسلامي را بيچاره کرده و از ظل قرآن کریم دور ميکند، نژاد بازي است، اين نژاد ترک است بايد نمازش را هم ترکي بخواند. اين نژاد ايراني است بايد الفبايش چه جور باشد. آن نژاد عرب است، عروبت بايد حکومت کند نه اسلام، نژاد آريايي حکومت کند نه اسلام، نژاد ترک بايد حکومت کند نه اسلام، نژاد پرستي يك مسئله بچه گانه است که سران دول را دارند بازي ميدهند. غافل از اينکه نکته اتکايي که همه مسلمين داشتند از مسلمين گرفتند، همين نژاد بازي که اسلام قلم سرخ روي آن کشيد و يا بين سپاه و سفيد و ما بين ترک و عرب و عجم هيچ فرقي نگذاشت و فقط ميزان را تقوای واقعي قرارداد؛ ان اکرمکم عند الله اتقاکم.

اسلام فقط اتکاست، ترک و فارس و عرب و عجم ندارد، قضيه نژادبازي ارتجاعي است چرا مسلمين با هم جنگ ميکنند براي اينکه در تحت لواي اسلام نيستند!

5 - فرقه گرايي

امام خميني (ره) معتقد بودند که اگر مسلمانان جهان از حصارهاي فرقه اي که بعد از پيامبر اکرم (ص) به دور خود کشيده اند آزاد سازند و به سوي اسلام ناب محمدي باز گردند، از کثرت فرق و مذاهب فقهي و کلامي به وحدت مي رسند و در مي يابند که خداوند يك دين بيشتري ندارد و آن دين حنيف اسلام است. وما نبايد با ديده گاهي مختلف فقهي و کلامي مجتهدين را وسيله اي براي تقسيم اسلام به فرق گوناگون قرار دهيم، و آنگاه به نفي اسلام يکديگر پردازيم همچنانکه بني اسرائيل دين حنيف ابراهيم را به صورت دو دين يهود و نصاري تقسيم کردند و هر کدام ديگري را بي اساس خواندند در حاليکه هر دو دسته کتاب آسماني را ميخواندند.

وقالت اليهود ليست النصاري علي شيء وقالت النصاري ليست اليهود علي شيء وهم يتلون الكتاب.

خداوند مي فرمايد کساني که نمي دانند سخني مانند سخن اينان ميگويند: قال الذين لا يعلمون مثل قولهم ([31]).

همینطور امام خمینی (ره) با تقسیم کردن مسلمانان به فرقه‌های گوناگون بطوریکه در برابر یکدیگر باشند مخالف بودند و همواره از مسلمانان جهان می‌خواستند باکنار گذاشتن این حصارهای تعصب فرقه‌ای همگی به اسلام ناب محمدی باز گردند و در دیدار با علمای اسلامی فرمودند:

«يك دسته از مسلمانان شیعه هستند و يك دسته‌ای از مسلمانان سنی، يك دسته حنفی و دسته‌ای حنبلی و دسته‌ای اخباری هستند، اصلاً طرح این معنی (و این دسته بندیها) از اول درست نبوده. در يك جامعه‌ای که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل نباید طرح شود. ما همه برادر هستیم و باهم هستیم، منتهی علمای شما يك دسته فتوی به يك چیز دادند و شما تقلید از علمای خود کردید و شدید (به عنوان مثال) حنفی، يك دسته فتوای شافعی را عمل کردند و يك دسته فتوای حضرت صادق را عمل کردند، اینها شدند شیعه.

اینها دلیل اختلاف نیست، ما نباید با هم اختلاف و تضاد داشته باشیم، ما همه باهم برادریم. برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند» ([32]).

نتیجه گیری

بنای رفیع و با شکوه فرهنگ و تمدن اسلام بر پایه توحید بنا شده که در ساختن آن ماهر ترین و پاکترین مهندسين از سرزمینهای مختلف سهیم بودند. این بنای عظیم ساخته فکر و اندیشه کسی نبود بلکه ایمان و اشتیاق مسلمانان به اسلام و رضای پروردگار آن را به وجود آورده بود و برای پژوهش درباره آن علما و اندیشمندان ملل اسلامی دست به دست هم دادند و خود را از هرگونه تعصب قومی و فرهنگی بجز قومیت اسلام و فرهنگ قرآن، عاری ساختند، عرب، عربی بودن و فارس، فارسی بودن و رومی، روم بودن خود را فراموش کرد و خود را در خدمت اسلام و زبان قرآن قرارداد و دستجمعی بنای فرهنگ و تمدن اسلامی را بنانهادند.

قسمت اعظم آن را مستقیماً از اسلام گرفتند، و بخشهایی از علوم سایر ملل جهان را با تغییر و تصرفاتی در خدمت اسلام درآوردند تا آنجا که فلسفه یونان را که عقائد دوگانه و تثلیث می‌شد، به رنگ اسلام درآوردند و برای اثبات توحید و معاد از آن استفاده کردند.

این فرهنگ و تمدن در سطح جهانی بدرخشید زیرا که به همه مسلمانان تعلق داشت و همه خود را در آن شریک می‌دانستند هر عالم و دانشمندی حق عضویت و شرکت در هر بحثی و مراجعه به هر کتاب و اخذ هر

رای و نظریه‌ای داشت و هیچ کس به دیگری که با او هم عقیده و هم فکر نبود جز با نظر تقدیر و برادری نمی‌نگریست. خلیفه در بغداد کرسی تدریس کلام را به شیخ طوسی سپرد و بسیاری از علمای اهل سنت در درس این عالم امامی شرکت می‌کردند و فقهای بزرگ شیعه چون شهید اول و شهید ثانی در حوزه‌های اهل سنت شرکت می‌جستند.

متأسفانه نسله‌ای وارث این خانه فرهنگ و تمدن اسلامی شدند که در آن به نزاع برخاستند و پرده‌هایی میان خود برافراشتند و هر دسته‌ای در قسمت خود مستقل و مجزا شدند و از ورود دیگران جلوگیری کردند و بدینگونه فرهنگ و تمدن اسلامی از جنبه عمومی و اجتماعی به مذاهب بسته تبدیل گشت و از ملیت عمومی به ملوک الطوائفی محدود، تنزل نمود و هر عالم و دانشمندی در محیط کوچک خود خانه نشین شد و از آنچه در سایر مذاهب بود چشم فرو بست و دریافته‌های تعصب ورزید و با هر آنچه نمی‌دانست به دشمنی برخاست.

و دستهای سیاست، پرده‌های میان فرقه‌ها را به دیوارها و حصارهای ملیت مبدل ساخت تا جائیکه حتی در کنار خانه خدا برای هر مکتب فقهی مقامی ساخته شد و هر فرقه‌ای برای خود نماز جماعت جداگانه تشکیل می‌داد.

هدف امام خمینی (ره) این بود که با برداشتن دیوارها و حصارهای ملیت و نژاد و کنار زدن پرده‌هایی که فرق گوناگون میان خود برافراشته‌اند، اسلام ناب را آشکار سازند و مسلمانان جهان را به وحدت واقعی خود برسانند، بی‌آنکه مکتبهای فقهی و کلامی و تفسیری را لغو و یا درهم ادغام کنیم.

([1]). حجرات: 10.

([2]). سوره حجرات: 10.

([3]). چهل حدیث، 309 - 311.

([4]). امام خمینی 9/8/57، صحیفه نور ج 2، ص 246 - 248.

([5]). امام خميني - صحيفه نور - ج 5 ص 53 - 54.

([6]). همان ج 6، ص 79.

([7]). صحيفه نور، ج 16، ص 4.

([8]). سوره آل عمران: 103.

([9]). صحيفه نور: ج 7، ص 218.

([10]). بحار الانوار، ج 28، ص 104.

([11]). امام خميني 16/10/61.

([12]). امام خميني 1/1/66.

([13]). امام خميني 23/12/65، صحيفه نور، ج 20، ص 74 - 75.

([14]). امام خميني 19 / 1/58.

([15]). امام خميني 12/3/58.

([16]). امام خميني 25 / 3 / 58.

([17]). امام خميني 19/11/61.

([18]). امام خميني 12/1/62.

([19]). امام خميني 27/2/67.

([20]). امام خميني 27/11/57.

([21]). امام خميني 25/7/59.

([22]). امام خميني 25/7/59.

([23]). امام خميني 22/8/58.

([24]). امام خميني 29/6/61.

([25]). امام خميني، ولايت فقيه، ص 26_50 و رساله نوين ج 4، ص 145.

([26]). امام خميني 29/8/58.

([27]). امام خميني 15/4/58.

([28]). امام خميني 15/4/58.

([29]). كافي، ج 2، كتاب الايمان، باب العصبية، ح 3.

([30]). امام خميني، چهل حديث، ص 125 _ 126.

([31]). سورة بقره: 113.

([32]). امام خميني: 8 / رمضان / 1400.